

**گفت‌وگوی «شهروند» با آهنگساز، نوازنده و خواننده البوم «زندان شب یلدا»**

هنوز از تمام ظرفیت‌های موسیقی ایرانی استفاده نشده!

◀ **اردشیر کامکار: ذوق و جوانی سالک مرا ترغیب به همکاری کرد**
◀ **سلمان سالک: مهم‌ترین هدفم توجه به نفس آواز بود** ▶ **وحید تاج: موسیقی ایرانی به تازگی حافظ و سعدی است**

رضا نامجو | زندان شب یلدا» عنوان البومی است که اسفندماه سال گذشته پس از مدت‌ها انتظار و البته بعد از موعد تعیین شده‌ای که بنا بود مقارن با شب یلدا باشد، با آهنگسازی سلمان سالک و آواز وحید تاج وارد بازار موسیقی کشور شد. البومی با رنگ و بوی سنت و البته نوآوری‌هایی که در دل همان سنت موسیقایی می‌شود حرکتی نوخطایش کرد، گوشه و کنز این البوم را نشانه گرفته است. اردشیر کامکار، آهنگساز موسیقی ایرانی و عضو گروه موسیقی کامکار، در این البوم نوازندگی کمانچه

سوالک: من حدود بیست و چهار سال است موسیقی کار می‌کنم و این علاقه از کودکی در من ایجاد شده است. تحصیلاتم را در دانشکده هنرهای زیبا تمام کردم و متناسب با رشته تحصیلی‌ام با موسیقی‌های چند صدایی غربی آشنایی دارم. با این وجود زمینه اصلی کارم موسیقی سنتی است. حدود ۱۵ سال است به‌صورت جدی کار آهنگسازی انجام می‌دهم. به‌نظر من موسیقی ایرانی در ذات خودش چند صدایی است، یعنی به شکل سنتی در اجرای موسیقی ایرانی دو حالت حاکم است. یکی استفاده از واخوان‌ها به‌عنوان نت‌های هارمونیک جهت زیبایی بیشتر موسیقی و دیگری اجرای جواب آواز به این شکل که بین آوای خواننده و جواب آن توسط نوازنده اختلاف فازی وجود دارد. این اختلاف در نت بین خواننده و نوازنده موضوعی عادی است، اما در اجرای موسیقی چند صدایی با سازهای

آشناسازی ایرانی کاملا طبیعی است. برای اجرای صحیح این حالت البته به چیدمان دقیق نت‌ها و سلیقه شخصی آهنگساز نیاز است. البته مسأله‌ای هم در اجرای موسیقی چند صدایی با سازهای ایران وجود دارد که کار را با مشکل مواجه می‌کند. گاهی آنچه مدنظر آهنگساز است با این سازها قابل اجرا نیست؛ به عبارت دیگر سازهای ایرانی بیشتر مناسب موسیقی تک‌صدایی است. در هر صورت علاقه‌مندی من اینگونه شکل گرفت تا کاری را با قالب و دستگاه ایرانی و زمینه چندصدایی به لحاظ هارمونیک تجربه کنم. هدفم آن بود که موسیقی از این دو جهت آسیمی نبیند. کاری به این شکل را قبلا هم تجربه کرده بودم و همان اثر باعث شد که در این کار اصلاحاتی انجام دهم و کار «زندان شب یلدا» به صورت حاضر شکل گرفت. تجربه قبلی به صورت کنسرت با صدای حسین علیشاپور در تالار وحدت اجرا شد، ولی منتشر نشد.

کامکار: به‌نظر من در این البوم قواعد پلی فونیک و آهنگسازی موسیقی غربی چندان مورد توجه نبوده است. ملودی مهم‌ترین شاخصه این البوم است نه چندصدایی بودن موسیقی. البته در چند جای حرکت‌های فاصله سوم و ... استفاده شده، اما باید بپذیریم از کسترآسیون غربی در این کار خیلی به چشم نمی‌آید. به نظر من در موسیقی سنتی با سازهای آناسامیل موسیقی سنتی، نمی‌شود فضاسازی زیادی انجام داد و به شیوه غربی به فضاسازی نگر نیست. به‌نظر من هم مسأله تا حد زیادی به محدودیت‌های سازهای موسیقی ما بازمی‌گردد. سازهای موسیقی ایرانی به لحاظ صداهندگی متنوع نیستند و همه دارند در یک رنج کار می‌کنند. تار، سنتور و کمانچه همه در یک محدوده هستند و این فقط عود است که تا حدودی بیس دارد. امکانات ماملز کستر سمفونیک نیست که بیس کنترباس، ویولن سل، آلتو، ویولن، اپوا، سازهای بادی برنجی و... را داشته باشد. همه آن سازها به‌صدا دهندگی نهایی واحد کمک می‌کنند. سازهای ایرانی اما یک نوع صدا دارند و حتی اگر

ترژی که به واسطه این شوق به شما می‌رسد صحبت کرده بودید. دقیقا. سعی می‌کنم اگر کمکی از دست من برمی‌آید حتما انجاشم دهم. **آین البوم با وجود این که فضای ساختنی اش پولی فونیک است به لحاظ سنتنی هم از چارچوب‌بندی محکمی برخوردار است. به‌عنوان مصنف اثر در مورد این کار تازه توضیح دهید.**

تنظیم آنچنانی هم در کار باشد، نمی‌شود برداشت ارکستر سمفونیک را از این سازها داشت. باید چیزی مختص به خود این موسیقی ابداع کرد. این فضا از نسوی برخی آهنگسازان ایرانی انجام شده و در زمینه‌هایی هم موفق بوده است. باید از آن تجربیات استفاده بیشتری کرد تا به یک نتیجه واحد برسیم. **تاج: از نظر من ذات موسیقی ایران تک‌صدایی است به آن جهت که یک ملودی تنها تا آن جا می‌تواند در موسیقی ایرانی زیبا باشد که نیازی به هارمونیک کردن نداشته باشد. نگاه هارمونی بیشتر معطوف به موسیقی غربی است. فرم ساز و آواز ایرانی بیشتر بر پایه یک حرکت کونتر پوانتیک است به شکلی که ساز و آواز یکدیگر را تعقیب می‌کنند. وقتی خواننده می‌خواند، نوازنده یا تأخیری کوتاه جواب می‌دهد و تاین جامنطقی و معقول است. اما به محض اینکه وارد مفرله هارمونیک کردن شود، وارد موسیقی غرب‌شده است.**

با وجود اختلاف بین خوانش خواننده و اجرای نوازنده در کارهای پلی فونیک، در چنین اجراهایی نیاز به درک مقابیل بین خواننده و نوازنده دو چندان است. این درک متقابل را اجراهایی نظیر «زندان شب یلدا» و «زندان شب یلدا» در نظر می‌گیرید؟

سوالک: یکی از مهم‌ترین اهدافی که در این کار داشتم توجه به نفس آواز بود. به‌خصوص اینکه در سال‌های اخیر خوانندگان بنام موسیقی ایرانی توجه کمتری به آواز داشته‌اند و آثارشان بیشتر از خوانندگی صرفا به وجود آمده است. در صورتی که تا سال‌های پیش روال به صورتی غیر از این بود.

در این البوم ضعف سازها مورد نظرتان دست و پای شما را گرفت؟

سوالک: در بعضی جاها این اتفاق افتاد و ما ناگزیر به استفاده از ویولنسل شدیم. بیشتر علاقه‌مند بودم از قیچک‌باس که ساز ایرانی تری نسبت به ویولن است استفاده کنم، ولی در تست‌هایی که انجام شد، نتوانست صداهای مورد نظر را داشته باشد. خط‌هایی را هم برای تار باس نوشتم، اما صداهای اصلی که در ذهنم بود اتفاق نیفتاد. این ضعف بیشتر به آکوستیکی بازمی‌گردد که برای سازهای ایرانی باید در نظر گرفته شود. **در این البوم بین تصنیف‌ها و آوازها نوعی همجنسیتی و تشابه وجود دارد و انگار چینش قطعات با ظرافت انجام شده بود.**

سوالک: درست است. طرح اصلی کار حول محور هماهنگی قطعات می‌چرخد. با توجه به این که کار در دسته موسیقی ایرانی است سعی شده چارچوب‌های اصلی این موسیقی رعایت شود. ضمن این که ریتم در طول قطعات تغییر می‌کند، بین تمامی آنها انسجام وجود دارد. این کار با توجه به سلیقه شخصی من ساخته شده و طبعاً کسانی که با من هم‌سلیقه‌اند و تجربه گوش موسیقایی‌شان تا حدودی با من مشترک است از این کار لذت می‌برند. کسانی که مشکلاتی‌ان لطفی، عزیزان و شیرین به نوعی برایشان اسطوره‌های موسیقی

به‌حساب می‌آیند و کارهای این اساتید را پیگیری می‌کردند، به سبکی که در این کار از آن استفاده شده نزدیکترند.

هر چند بنا هماهنگی قطعات در این کار مواقع‌ا مسادر بعضی قطعات شباهت‌هایی شنیده می‌شود که شاید از نظر شنونده به نوعی تداعی‌کننده تکرار باشد. خودتان در این باره چه نظری دارید؟

سوالک: ممکن است، ولی من در کل اختلافی بین پیش‌درآمد، آواز و تصنیف نمی‌بینم. از نظر من تفاوت تصنیف با پیش‌درآمد ماهی کلام با موسیقی است و به لحاظ محتوی موسیقی با هم تفاوتی ندارد.

انتخاب شعر در ساز و آواز، به عهده خود شما بود. این اثر قبل از قضیه غبار خوزستان ضبط شد اما در لحظه شنیدن کار شنونده احساس می‌کند این اثر قطعه تاچه حد به فضای حاکم امروز بر استان جنوبی کشور می‌نشیند. استانی که در سال‌های جنگ هزبنه‌شکایت گشوده است.

نگرفت و امروز هم دچار بلای غبار شده است. صرف نظر از موضوع غبار انگار در این قطعه شهر خواننده‌ای است که در قالب هنر و برای دفاع از شهر و استانش لب‌به‌شکایت گشوده است.

تاج: من در مورد انتخاب این شعر ذهنیتی بالاتر از برداشت حاضر داشتم. موضوعی کلی‌تر که مربوط به ایران است نه صرفا استان خودم. استاد شفیع کدکنی هم این شعر را برای ایران گفته‌اند ولی شاید در ذهن خواننده نیشاپور مجسم شود. نگاه من در این شعر به جای جای کشورم ایران است.

ذات موسیقی ایران تک‌صدایی است به آن جهت که یک ملودی تنها تا آن جایی تواند در موسیقی ایرانی زیبا باشد که نیازی به هارمونیک کردن نداشته باشد. نگاه هارمونیک بیشتر معطوف به موسیقی غربی است. فرم ساز و آواز ایرانی بیشتر بر پایه یک حرکت کونتر پوانتیک است به شکلی که ساز و آواز یکدیگر را تعقیب می‌کنند

سوالک: وجود این که شما اعتقاد دارید این البوم می‌تواند فضای نویی در استرآکتچر موسیقی سنتی به وجود آورد، به‌نظر می‌رسد یک رجوع خوب به گذشته است. این در حالی است که در طول این سال‌ها برخی از آهنگسازان جوان اقدام به ترکیب موسیقی ایرانی و غربی کرده‌اند، اما هم ماهیت موسیقی غربی و هم ماهیت موسیقی ایرانی در این اختلاط از بین رفته است. در پاسخ می‌گویند موسیقی سنتی با معنای قجری خود، پتانسیل‌های خود را از دست داده است و ما هم خود را متعلق به موسیقی اصیل نمی‌دانیم، بنابراین چنین رویه‌ای را پیش گرفته‌ایم. در مقابل اینها باید به ما این کار شما در این حوزه هم بوده به نسبت مورد توجه قرار گرفته و کار خوبی از آب درآمده است. هر چند با تبلیغات وسیع‌تر می‌توانست فروش بهتری هم برای این البوم رقم بزند. شما به‌عنوان هنرمندی که به نوعی با رجوع به گذشته کار متفاوتی ارائه داده است، چه پاسخی برای هنرمندانی دارید که پتانسیل موسیقی ایرانی را تمام‌شده می‌دانند؟

سوالک: اعتقاد من این است که اصلا از تمام ظرفیت‌های موسیقی ایرانی استفاده نشده است. این موسیقی با پیشینه درخشان که دارد هم موسیقی پیشرفته‌ای است، هم بسیار متفکرانه و دلنشین. با توجه به سابقه تاریخی موسیقی ایرانی مشخص است که خود منشأ موسیقی خیلی از مناطق

فریدون مشیری به شعر می‌که مد نظر بود رسیدم. در مورد زندان شب یلدا من دخالتی در انتخاب اشعار نداشتم اما باید بگویم انتخاب‌های آقای سالک و آقای تاج درست و حساب شده بوده است. کلامی که در آواز خوانده شده با کلامی که در تصنیف‌ها هست، هماهنگی دارد. ملودی تصنیف‌ها هم در آواز مورد توجه قرار گرفته است. ما کار را به‌صورت بداهه اجرا کردیم اما قبل از آن که وارد استودیو شویم، من و تاج بخشی از تصنیف را شنیدیم و بعد بر مبنای آنچه شنیده بودیم بداهه خوانی و بداهه‌نوازی را اجرا کردیم.

کار کرد اجتماعی کلام در بخش ساز و آواز تا چه حد مورد نظر وحید تاج بود؟ از تباط دوسویه شعر و موسیقی تاچه حد بر ایتمان دغدغه بود؟

تاج: مطمئن باشید تک‌تک این قطعات فکر شده بود. آقای سالک زحمت انتخاب اشعار تصنیف‌ها را کشیده بودند و وظیفه انتخاب کلام در قطعات ساز و آواز بر عهده من گذاشته شد. از آن‌جا که متن تصنیف در یک مسیر حرکت می‌کرد من هم اشعاری را انتخاب کردم که علاوه بر زیبایی کلامی مسیری اصلی البوم را طی کند. من رباعیاتی را از آقای ابتهاج اجرا کردم که نیازها و کاستی‌ها را بیان می‌کرد اما جامعه علاوه بر اینها به امید هم نیاز دارد.

بر همین اساس رباعی آخر با مضمون امید از آقای ابتهاج انتخاب و اجرا شد تا حرکت، امید و عاشقی که لازمه جامعه امروز ما است هم به نمایش درآید. ما شاعر خوب در ادبیات‌مان کم نداریم که نه فقط در این اثر که در سایر آثار باعث یک خدمت دوسویه می‌شوند. هم از جانب ادبیات و هم از جانب موسیقی. شاید اشعار خوب وقتی با آهنگی مناسب و آوایی درخور هماهنگ شود، باعث برد و موفقیت یک اثر شود و با شنیده شدنش مردم را به مطالعه دقیق‌تر ادبیات دعوت کند.

می‌خواهم از شما بپرسم آیا وحید تاج و سلمان سالک امروز در حال رسیدن به بیان مستقل آوازی و سازی خود هستند؟ از سوی دیگر هر کدامشان دارای چه وجوه موسیقایی هستند؟

کامکار: به‌نظر من وحید تاج جوانی است که از قدرت اجرایی بالایی برخوردار است. او می‌تواند آواز خوبی بخواند و تن صدای او به نحوی است که جای حس و گسترش دارد و او در ادامه می‌تواند حتی در خشن‌تر و بهتشر از آنچه تا به امروز بوده کار کند. آقای سالک در نوع ملودی‌های که ساخته ذوق و استعداد فراوانی را نشان داده که در درون او وجود دارد. البته در ادامه باید در حوزه نوازندگی پیشرفته‌تر شود. البته همه باید اینطور باشیم. ما حتی باید در آخرین روز زندگی هم کار کنیم و زحمت بکشیم. در مجموع این دو، جوان‌های با استعدادی هستند. تکنیک صدایی و سازشناس هم در موقعیتی قرار دارد که می‌توانند بهتر و بهتتر از اینها عمل کنند.

به‌نظر می‌رسد قطعه زندان شب یلدا از نظر ویژه و قابل تامل است. شاید در سال‌های اخیر جزو معدود کارهایی باشد که کلام، ساز و آواز بی‌هیچ برتری از هم با هماهنگی و غنای بالاتر کنار هم قرار گرفته‌اند. به باور برخی، وحید تاج در این قطعه در مقایسه با کارهای دیگری که از خود او سراغ داریم هم بهتر آواز خوانده است.

وحید تاج: ساز و آواز خود از اساسی‌ترین و قدیمی‌ترین اصول موسیقی ایرانی است. البته در سال‌های اخیر کمتر مورد توجه هنرمندان قرار گرفته و علت آن هم باید به دقت بررسی شود. آوازخوانی هنر خواننده است. به وسیله آواز امکانات اجرا کنیم. مشابه چنین مضامینی در شعر گذشتگان هم بود، با این تفاوت که گویش کمی کهن‌تر بود. به‌نظر من اگر با آن اشعار کار انجام می‌شد، به اندازه امروز کار مورد توجه قرار نمی‌گرفت. چون روی اشعار آنها کارهای قوی در گذشته انجام شده است. شاید استفاده از شعر امروز برای دیده‌شدن موسیقی ایرانی ضرورت باشد.

برخی خود را جزو موزیسین‌هایی می‌دانند که از موسیقی به‌عنوان ابزاری برای انجام رفتار اجتماعی استفاده می‌کنند و بعضی معتقدند ما موزیسین هستیم و ناگزیر رفتار اجتماعی هم انجام می‌دهیم. شما خود را در کدام دسته جای می‌دهید؟

سوالک: به‌نظر بارم دسته دوم به شخص من نزدیک‌تر است. دوست دارم همیشه موسیقی اصل باشد اما خوسته یا ناخوسته مجبور به انجام رفتار اجتماعی می‌شوم. در هر حال این مخاطب است که موزیسین رزنده‌نگه می‌دارد.

وقتی به همشنینی آواز و تصنیف می‌رسیم، به‌نظر می‌رسد در این البوم هم بین آواز و تصنیف همشنینی خوبی برقرار شده است. با این توضیح که در عین متفاوت بودن نوع و درونمایه خود را حفظ کرده‌اند و همه برمدار یک هسته اصلی و درونی در گردش هستند. به‌نظر شما چنین درکی در دست است یا نه؟ از سوی دیگر تاچه میزان باید به این المان در مواقعی که قصد ارائه البومی در ژانر موسیقی ایرانی داریم توجه کنیم؟

کامکار: من ناظر شما موافقم. وقتی با شعر و کلام سروکار داریم، باید به نکات متعددی توجه کنیم. به‌عنوان مثال اگر تصنیفی ساخته‌اید که شعری حماسی دارد، در ادامه برای آواز کار نمی‌توانید شعری عاشقانه انتخاب کنید. البته شما می‌توانید هر کاری انجام دهید اما به لحاظ فنی بهتر است چنین ملاحظاتی را در انتخاب هایتان مورد توجه قرار دهید. باید سعی کنید شعر آواز، با تصنیف و قطعه تناسب داشته باشد. به‌عنوان مثال خود من در البوم ناشکپیاد، برای آواز زهر شیرین مدت‌ها دنبال شعر مناسب بودم. می‌خواستم شعر آواز با قطعه هامون تناسب داشته باشد. بالاخره در دیوان

فریدون مشیری به شعر می‌که مد نظر بود رسیدم. در مورد زندان شب یلدا من دخالتی در انتخاب اشعار نداشتم اما باید بگویم انتخاب‌های آقای سالک و آقای تاج درست و حساب شده بوده است. کلامی که در آواز خوانده شده با کلامی که در تصنیف‌ها هست، هماهنگی دارد. ملودی تصنیف‌ها هم در آواز مورد توجه قرار گرفته است. ما کار را به‌صورت بداهه اجرا کردیم اما قبل از آن که وارد استودیو شویم، من و تاج بخشی از تصنیف را شنیدیم و بعد بر مبنای آنچه شنیده بودیم بداهه خوانی و بداهه‌نوازی را اجرا کردیم.

کار کرد اجتماعی کلام در بخش ساز و آواز تا چه حد مورد نظر وحید تاج بود؟ از تباط دوسویه شعر و موسیقی تاچه حد بر ایتمان دغدغه بود؟

تاج: مطمئن باشید تک‌تک این قطعات فکر شده بود. آقای سالک زحمت انتخاب اشعار تصنیف‌ها را کشیده بودند و وظیفه انتخاب کلام در قطعات ساز و آواز بر عهده من گذاشته شد. از آن‌جا که متن تصنیف در یک مسیر حرکت می‌کرد من هم اشعاری را انتخاب کردم که علاوه بر زیبایی کلامی مسیری اصلی البوم را طی کند. من رباعیاتی را از آقای ابتهاج اجرا کردم که نیازها و کاستی‌ها را بیان می‌کرد اما جامعه علاوه بر اینها به امید هم نیاز دارد. بر همین اساس رباعی آخر با مضمون امید از آقای ابتهاج انتخاب و اجرا شد تا حرکت، امید و عاشقی که لازمه جامعه امروز ما است هم به نمایش درآید. ما شاعر خوب در ادبیات‌مان کم نداریم که نه فقط در این اثر که در سایر آثار باعث یک خدمت دوسویه می‌شوند. هم از جانب ادبیات و هم از جانب موسیقی. شاید اشعار خوب وقتی با آهنگی مناسب و آوایی درخور هماهنگ شود، باعث برد و موفقیت یک اثر شود و با شنیده شدنش مردم را به مطالعه دقیق‌تر ادبیات دعوت کند.

می‌خواهم از شما بپرسم آیا وحید تاج و سلمان سالک امروز در حال رسیدن به بیان مستقل آوازی و سازی خود هستند؟ از سوی دیگر هر کدامشان دارای چه وجوه موسیقایی هستند؟

کامکار: به‌نظر من وحید تاج جوانی است که از قدرت اجرایی بالایی برخوردار است. او می‌تواند آواز خوبی بخواند و تن صدای او به نحوی است که جای حس و گسترش دارد و او در ادامه می‌تواند حتی در خشن‌تر و بهتشر از آنچه تا به امروز بوده کار کند. آقای سالک در نوع ملودی‌های که ساخته ذوق و استعداد فراوانی را نشان داده که در درون او وجود دارد. البته در ادامه باید در حوزه نوازندگی پیشرفته‌تر شود. البته همه باید اینطور باشیم. ما حتی باید در آخرین روز زندگی هم کار کنیم و زحمت بکشیم. در مجموع این دو، جوان‌های با استعدادی هستند. تکنیک صدایی و سازشناس هم در موقعیتی قرار دارد که می‌توانند بهتر و بهتتر از اینها عمل کنند.

به‌نظر می‌رسد قطعه زندان شب یلدا از نظر ویژه و قابل تامل است. شاید در سال‌های اخیر جزو معدود کارهایی باشد که کلام، ساز و آواز بی‌هیچ برتری از هم با هماهنگی و غنای بالاتر کنار هم قرار گرفته‌اند. به باور برخی، وحید تاج در این قطعه در مقایسه با کارهای دیگری که از خود او سراغ داریم هم بهتر آواز خوانده است.

وحید تاج: ساز و آواز خود از اساسی‌ترین و قدیمی‌ترین اصول موسیقی ایرانی است. البته در سال‌های اخیر کمتر مورد توجه هنرمندان قرار گرفته و علت آن هم باید به دقت بررسی شود. آوازخوانی هنر خواننده است. به وسیله آواز امکانات اجرا کنیم. مشابه چنین مضامینی در شعر گذشتگان هم بود، با این تفاوت که گویش کمی کهن‌تر بود. به‌نظر من اگر با آن اشعار کار انجام می‌شد، به اندازه امروز کار مورد توجه قرار نمی‌گرفت. چون روی اشعار آنها کارهای قوی در گذشته انجام شده است. شاید استفاده از شعر امروز برای دیده‌شدن موسیقی ایرانی ضرورت باشد.

برخی خود را جزو موزیسین‌هایی می‌دانند که از موسیقی به‌عنوان ابزاری برای انجام رفتار اجتماعی استفاده می‌کنند و بعضی معتقدند ما موزیسین هستیم و ناگزیر رفتار اجتماعی هم انجام می‌دهیم. شما خود را در کدام دسته جای می‌دهید؟

سوالک: به‌نظر بارم دسته دوم به شخص من نزدیک‌تر است. دوست دارم همیشه موسیقی اصل باشد اما خوسته یا ناخوسته مجبور به انجام رفتار اجتماعی می‌شوم. در هر حال این مخاطب است که موزیسین رزنده‌نگه می‌دارد.

وقتی به همشنینی آواز و تصنیف می‌رسیم، به‌نظر می‌رسد در این البوم هم بین آواز و تصنیف همشنینی خوبی برقرار شده است. با این توضیح که در عین متفاوت بودن نوع و درونمایه خود را حفظ کرده‌اند و همه برمدار یک هسته اصلی و درونی در گردش هستند. به‌نظر شما چنین درکی در دست است یا نه؟ از سوی دیگر تاچه میزان باید به این المان در مواقعی که قصد ارائه البومی در ژانر موسیقی ایرانی داریم توجه کنیم؟

کامکار: من ناظر شما موافقم. وقتی با شعر و کلام سروکار داریم، باید به نکات متعددی توجه کنیم. به‌عنوان مثال اگر تصنیفی ساخته‌اید که شعری حماسی دارد، در ادامه برای آواز کار نمی‌توانید شعری عاشقانه انتخاب کنید. البته شما می‌توانید هر کاری انجام دهید اما به لحاظ فنی بهتر است چنین ملاحظاتی را در انتخاب هایتان مورد توجه قرار دهید. باید سعی کنید شعر آواز، با تصنیف و قطعه تناسب داشته باشد. به‌عنوان مثال خود من در البوم ناشکپیاد، برای آواز زهر شیرین مدت‌ها دنبال شعر مناسب بودم. می‌خواستم شعر آواز با قطعه هامون تناسب داشته باشد. بالاخره در دیوان

فریدون مشیری به شعر می‌که مد نظر بود رسیدم. در مورد زندان شب یلدا من دخالتی در انتخاب اشعار نداشتم اما باید بگویم انتخاب‌های آقای سالک و آقای تاج درست و حساب شده بوده است. کلامی که در آواز خوانده شده با کلامی که در تصنیف‌ها هست، هماهنگی دارد. ملودی تصنیف‌ها هم در آواز مورد توجه قرار گرفته است. ما کار را به‌صورت بداهه اجرا کردیم اما قبل از آن که وارد استودیو شویم، من و تاج بخشی از تصنیف را شنیدیم و بعد بر مبنای آنچه شنیده بودیم بداهه خوانی و بداهه‌نوازی را اجرا کردیم.

کار کرد اجتماعی کلام در بخش ساز و آواز تا چه حد مورد نظر وحید تاج بود؟ از تباط دوسویه شعر و موسیقی تاچه حد بر ایتمان دغدغه بود؟

تاج: مطمئن باشید تک‌تک این قطعات فکر شده بود. آقای سالک زحمت انتخاب اشعار تصنیف‌ها را کشیده بودند و وظیفه انتخاب کلام در قطعات ساز و آواز بر عهده من گذاشته شد. از آن‌جا که متن تصنیف در یک مسیر حرکت می‌کرد من هم اشعاری را انتخاب کردم که علاوه بر زیبایی کلامی مسیری اصلی البوم را طی کند. من رباعیاتی را از آقای ابتهاج اجرا کردم که نیازها و کاستی‌ها را بیان می‌کرد اما جامعه علاوه بر اینها به امید هم نیاز دارد. بر همین اساس رباعی آخر با مضمون امید از آقای ابتهاج انتخاب و اجرا شد تا حرکت، امید و عاشقی که لازمه جامعه امروز ما است هم به نمایش درآید. ما شاعر خوب در ادبیات‌مان کم نداریم که نه فقط در این اثر که در سایر آثار باعث یک خدمت دوسویه می‌شوند. هم از جانب ادبیات و هم از جانب موسیقی. شاید اشعار خوب وقتی با آهنگی مناسب و آوایی درخور هماهنگ شود، باعث برد و موفقیت یک اثر شود و با شنیده شدنش مردم را به مطالعه دقیق‌تر ادبیات دعوت کند.